

سه شنبه 24 تیر 1399-22 ذیقعده 1441-14 جولای 2020

مهاجرت علما و مردم تهران به قم و آغاز هجرت کبری در جریان نهضت مشروطه (1285ش)



مهاجرت علما و مردم تهران به قم و آغاز هجرت کبری در جریان نهضت مشروطه (1285ش)، در ادامه نهضت مشروطه، پس از آن که خواسته‌های علما و مردم در مورد تاسیس عدالت خانه و اجرای قوانین اسلام و... عملی نشد، علما تصمیم گرفتند که به قم مهاجرت نموده و در حرم حضرت معصومه(س) تحصن کنند. در نهایت در 24 تیر 1285 ش برابر با 23 جمادی الاول 1324، حضرات آیات سید محمد طباطبایی و سید عبداللّه بهبهانی در رأس یک گروه هزار نفری به سوی قم حرکت کردند و مهاجرت کبری را شروع نمودند. همچنین شیخ فضل‌الله نوری، سه روز بعد با فراهم آوردن جمعیت بسیار زیاد، از تهران به قم هجرت نمود. این مهاجرت، موجی از یک قیام در سراسر کشور ایجاد کرد و علمای بزرگ زمان از قبیل آفانجفی اصفهانی و آخوند ملاقربانعلی زنجان‌ی از روحانیون مشهور و متنفذ اصفهان و زنجان، به این تحصن پیوسته و روحانیون سایر شهرها با تلگراف‌های متعدد، در انجام خواسته متحصنین قم پافشاری نمودند. در جایی که نهضت در اوج پیروزی قرار داشت و مظفرالدین شاه قاجار هم خواسته رهبران نهضت را پذیرفته بود، به واسطه دست‌های مرموزی که در جریان بود، اولین انحراف نهضت آشکار شد و عده‌ای از مردم، ناآگاهانه به سفارت انگلیس پناهنده شدند و در حیاط سفارت تحصن کردند. تحصن بیش از بیست هزار نفر از مردم در سفارت انگلستان، هرچند در ظاهر به بهانه حفظ جان مردم صورت می‌گرفت ولی در واقع نوعی تعدی از احکام اسلامی بود که استعمار پیر به دنبال آن بود. این انحراف بعدها تا آنجا کشیده شد که شیخ فضل‌الله را که خود، از رهبران مشروطه به شمار می‌رفت، به دلیل مخالفت با مشروطه غیرمشروع، به جوخه دار سپردند. سرانجام بر اثر فشار متحصنین، مظفرالدین شاه تمامی خواسته‌های آنان را پذیرفت و در 14 مرداد 1285ش، طی فرمانی، ضمن عزل عین‌الدوله، صدر اعظم مستبد خود، دستور برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس شورا را صادر کرد. در نهایت علما و مردم متحصن در قم، ده روز بعد از امضای فرمان مشروطه، با احترام به تهران بازگشتند.

تیره روحانی مجاهد آیت‌الله: سید عبداللّه بهبهانی یکی از سادات اصلی مشروطیت (1289ش)، آیت‌الله سید عبداللّه بهبهانی در اوایل قرن سیزدهم هجری شمسی در شهر نجف اشرف به دنیا آمد و تحت توجّهات پدر فاضل و مجاهدش، سید اسماعیل مجتهد بهبهانی، تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. آقا سید عبداللّه، به زودی در حلقه درس عالم و فقیه بزرگ شیعه، حاج میرزا محمدحسن شیرازی معروف به میرزای بزرگ جای گرفت و به سرعت مدارج عالی علمی را پیمود. آیت‌الله بهبهانی قبل از انقلاب مشروطیت نیز از روحانیان و علمای مشهور ایران به شمار می‌رفت و در امور سیاسی دخالت داشت. وی با آغاز نهضت مشروطه، به صف مبارزان پیوست و با یاری و همکاری آیت‌الله سید محمد طباطبایی، رهبری مشروطه‌خواهان را به عهده گرفت. آیت‌الله بهبهانی در رهبری نهضت مشروطه، نقش بسزایی داشت و در این راه، زحمات فراوانی را متحمل شد. وی پس از به توپ بستن مجلس و پس از ضرب و شتم و اهانت به ایشان، به دستور محمدعلی شاه قاجار به کرمانشاه تبعید شد و پس از چند ماه راهی عتبات گردید. آیت‌الله بهبهانی پس از فتح تهران توسط مشروطه‌طلبان، به پایتخت بازگشت و از آن پس نفوذ فوق‌العاده‌ای در مجلس پیدا کرد. میان‌روها که اکثریت مجلس دوم را تشکیل می‌دادند از بهبهانی پیروی می‌کردند که این امر خشم تندروان را برانگیخت و تصمیم به قتل آیت‌الله بهبهانی گرفتند. سرانجام با نقشه تندروها، در 24 تیرماه 1289 ش برابر با نهم رجب 1328 ق، مزدوران به خانه این روحانی مجاهد رفته و با شلیک سه گلوله، وی را به شهادت رساندند. پس از شهادت ایشان، مجلس شورای ملی و بازار تهران تعطیل و عزای عمومی اعلام شد. بعدها پیکر آیت‌الله بهبهانی به شهر نجف منتقل و مدفون گردید. گویند ترور این عالم مجاهد به تحریک "سیدحسن تقی‌زاده" بوده است.

حلت حکیم و زاهد مثاله آیت‌الله "سید مهسّر زرابادی قه‌نبی" (1313 ش)، آیت‌الله سید موسی زرابادی در حدود سال 1256 ش (1294 ق) در قزوین به دنیا آمد. ایشان در قزوین و تهران از محضر حضرات آیات: میرزا ابوالحسن جلوه، میرزا حسن کرمانشاهی، شیخ فضل‌الله نوری و... استفاد کرده و در علوم عقلی و نقلی به استادی رسید. سید موسی در علوم غریبه یکی از استادان مسلم و متبحر بوده است و در مراحل تقوی و تهذیب نفس و سلوک شرعی نیز از نخبگان عصر خود بود، لیکن استادان و مربیان او در این زمینه‌ها شناخته شده نیست. آیت‌الله زرابادی به همراه میرزا مهدی اصفهانی و شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، سه رکن عمده مکتب تفکیک را در سده چهاردهم هجری تشکیل می‌دهند. بر اساس این مکتب که ایشان از بزرگان آن است، ناب‌سازی و خالص ماندن شناخت‌های قرآنی و فهمیدن این شناخت‌ها و معارف به دور از تاویل و مخلوط شدن با افکار و نیز بر کنار از تفسیر به رای از اهداف آن به شمار می‌رود. آیت‌الله زرابادی سالیان متمدای به تدریس پرداخت و شاگردان فرهیخته‌ای پرورش داد که دانشمندان نام‌آوری همچون شیخ مجتبی قزوینی، شیخ علی‌اکبر اللّهیان تنکابنی، شیخ علی‌اصغر شکرناهبی و سید ابوالحسن حافظیان مشهدی و

جمله‌ی rlm&ی "سلطان مجاهد: نهی" به سیستان و انقاض، سلسله rlm&ی: صفا، بان (9389)، الپتکین، یکی از سپهسالاران سامانیان، در اواخر عمر خود، از دولت سامانی ناراضی شد و به شهر غزنین رفت و با جانشینانش در این شهر حکومتی را تشکیل داد که این حکومت غزنویان نامیده شد. آن‌ها از غزنین به جنگ با بت پرستان می‌رفتند. سلطان محمود غزنوی، بزرگترین فرمانرواهای غزنویان، قلمرو خود را از غزنین فرا تر برد. او به سیستان لشکر کشید و بقایای صفاریان را بر انداخت.

بابان تالیف تفسیر مشهور، "مجمع‌السان" توسط علامه "طبرسی" (536 ق)، تفسیر مجمع البیان نوشته rlm&ی؛ علامه شیخ طبرسی یکی از مفسرین بزرگ قرآن است. وی از علمای مشهور ایران بود که به خاطر فضیلت، درست rlm&ی؛ کاری و امانت داری در علوم فقه، حدیث و تفسیر به امین الاسلام، یعنی امانت دار اسلام شهرت یافت. تفسیر مجمع البیان که از تفاسیر مهم قرآن می‌باشد، تفسیری مرجع و قابل استفاده برای دانشمندان مسلمان بوده و هست. این تفسیر بارها چاپ شده و ترجمه rlm&ی؛ فارسی این تفسیر، در سی جلد موجود است.

تولد "ژاک بنینی به سه‌ه" نه‌سپنده معارف و عالم علم الهی فرانسه‌ی (1627م) ژاک بنینی بوسوئه، عالم علوم الهی، مورخ و نویسنده شهیر فرانسوی در چهاردهم ژوئیه 1627م در شهر دیژون فرانسه در خانواده rlm&ی؛ مذهبی به دنیا آمد. وی از 15 سالگی به تحصیل الهیات پرداخت و با مطالعه آثار نویسندگان و ادبای زمان، استعداد نویسندگی و فصاحت را در خود پرورش می‌داد. بوسوئه در 25 سالگی در رشته الهیات به دریافت درجه دکتری نائل آمد و به وعظ و خطابه پرداخت. وی پس از چندی به آموزش پسر لویی چهاردهم، پادشاه فرانسه مشغول شد و در طی نه سال تربیت او، کتاب گفتار در تاریخ عمومی را در سه بخش نگاشت. این کتاب تاریخ که وقایع عالم از ابتدای کار تا آن زمان را شامل می‌کرد، نه تنها بوسوئه را بزرگ rlm&ی؛ ترین نثرنویس فرانسه معرفی کرد، بلکه غنای موضوع و تجزیه و تحلیل امور و تعمق در مسائل، بر وسعت معرفت او گواهی می‌داد. پس از آن، بوسوئه که از دسیسه rlm&ی؛ ها و مخالفت درباریان آزرده گشته بود، خود را از دربار کنار کشید و با آموزش مسائل دینی و تدریس کتاب مقدس، مقام مهمی در جامعه روحانی به دست آورد. بوسوئه هم rlm&ی؛ چنین در ایراد خطابه، شهرت فراوانی یافت و در این فن، به کمال قدرت در فصاحت و هنر وعظ دست یافت، با این حال، مرثیه rlm&ی؛ ها و مدیحه rlm&ی؛ های او، تعلیماتی درباره زندگی و ایمان دربرداشت. بوسوئه بر این عقیده بود که مسیحیت، سازنده بشر است و همه چیز در دنیا دامی است در پیش پای فرد مسیحی. یکی از هدف rlm&ی؛ های بوسوئه در آغاز زندگی روحانی او، مبارزه با دشمنان دین و وحدت بخشیدن به جامعه برادران روحانی و از میان بردن سوء تفاهم rlm&ی؛ ها بود. از این رو با انتشار کتاب تاریخ تغییر و تحول کلیساهای پروتستانی، ضمن لزوم قبول کلیسای واحد، قصد داشت تا به پروتستان rlm&ی؛ ها ثابت کند که روح کلیسا را خوب درک نکرده rlm&ی؛ اند. وی کوشید تا میان کلیسای کاتولیک و پروتستان را آشتی دهد و یک مسیحیت پدید آورد. بوسوئه معتقد بود که هر کدام از ما مثل یک زندانی هستیم که تنها از درون حجره کوچک زندان خویش می‌توانیم به دنیای خارج نظر افکنیم و بنابراین تنها چیزی از واقعیت را می‌توانیم ببینیم. پس باید دیدهای مُجَرَّای خود را با هم آمیخت تا بتوان واقعیت را به تمامی نگریست. بوسوئه می‌گفت: غایت دین و فلسفه آن است که به ما یاد دهد چگونه با تساهل و گذشت، داستان کامل الوهیت را از زبان ادیان مختلف بشنویم. بوسوئه در نوع وعظ و خطابه و مرثیه و مدیحه، تحولی ایجاد کرد و وظیفه راهنمایی و تعلیماتی را در اخلاق و مذهب برعهده گرفت. وی از طرف دیگر، استاد نثر کلاسیک فرانسه به شمار می‌آید. او به خوشاهنگی و موسیقی کلام و معانی دقیق الفاظ توجه خاص نشان می‌داد و مسائل مهم دینی و انسانی را با لحن شاعرانه بیان می‌کرد. کتب مواعظ در نوزده جلد و مرثیه rlm&ی؛ ها و خطابه rlm&ی؛ های مذهبی از دیگر آثار اوست. ژاک بنینی بوسوئه سرانجام در 30 نوامبر 1704م در 77 سالگی درگذشت.

تولد "ژوزف گوبینو" نه‌سپنده و فیلسوف نژادپرست فرانسه‌ی (1816م) ژوزف آرتور کنت دو گوبینو نویسنده و فیلسوف فرانسوی در 14 ژوئیه 1816م در نزدیکی پاریس به دنیا آمد و تحصیلات خود را در فرانسه، آلمان و سوئیس پشت سر نهاد. وی در این زمان به روزنامه rlm&ی؛ نگاری و نگارش رمان rlm&ی؛ های پرماجرا پرداخت و پس از انتشار آثاری از خود، شهرت یافت. گوبینو ضمن علاقه به ادبیات و صنایع آلمان، با شیفتگی تمام به این نتیجه رسید که اقوام آریایی، در قدرت، جمال و هوش، سرآمد دیگرانند، پس باید آنها را برتر از سایر نژادهای بشر دانست. گوبینو برای خود رسالتی الهی قائل بود، اما چون در کشور خودش، به او اعتنایی نکردند به آلمان رفت و به اثبات برتری آلمان rlm&ی؛ ها بر اقوام دیگر پرداخت. او اندیشه rlm&ی؛ های خود را در کتابی به نام مقاله درباره نابرابری نژادهای انسان در چهار جلد بیان داشت. این کتاب، در سال rlm&ی؛ های بعد به شعله rlm&ی؛ های تفوق نژاد آریایی در آلمان بسیار دامن زد و ده rlm&ی؛ ها سال پس از مرگ گوبینو، به عنوان یکی از الگوهای آدولف هیتلر رهبر آلمان نازی درآمد. به نظر گوبینو، مسئله نژادی نه تنها بر همه مسائل دیگر تاریخ برتری دارد، بلکه محور اصلی آن به شمار می‌آید. گوناگونی نژادها که ملت rlm&ی؛ ها را می‌سازد، خود مبنی سرنوشت مختلف این ملت rlm&ی؛ هاست. گوبینو که به نژاد قوی و ضعیف معتقد است، انحطاط نژادهای قوی را بر اثر اختلاط با ملت rlm&ی؛ های ضعیفی می‌داند که در جنگ مغلوبشان گشته rlm&ی؛ اند. گوبینو در این راستا، منظومه بلند آمادیس را در سه جلد و شامل دو هزار بیت سرود. این منظومه بلند و استعاری، فرضیه نژادی شاعر را عرضه می‌کند. با این حال گوبینو در کنار این امور، به کارهای سیاسی و علمی نیز مشغول بود و پس از آنکه به سمت دبیر اول و سپس وزیرمختار فرانسه در دربار ایران منصوب شد، زبان rlm&ی؛ های شرقی از جمله فارسی، عربی و نیز خطوط میخی را فراگرفت. او ضمن حضور در میان مردم، با عقاید، آداب، رسوم، تاریخ، مذهب و متون فکری طبقات مختلف مردم آشنا گردید. گوبینو در این زمینه، به

تالیف آثاری پرداخت که کتب سه سال در آسیا، تاریخ ایران و ادیان و فلسفه؛ های آسیای مرکزی، نتیجه این حضور و دقت در متن جامعه است. وی سرانجام پس از 66 سال زندگی در 13 اکتبر 1882م درگذشت. شیخ هاشم قزوینی خراسانی و... در محضر او به درجات بالایی علمی دست یافتند. هم؛ چنین حاشیه بر منظومه سبزواری و حاشیه بر شرح اشارات از جمله تالیفات ایشان است. آیت؛ الله زرابادی سرانجام در بیست و چهارم تیر ماه 1313 ش برابر با دوم ربیع؛ الثانی 1353 ق در 59 سالگی به سرای باقی شتافت و در صحن امامزاده حسین قزوین به خاک سپرده شد.